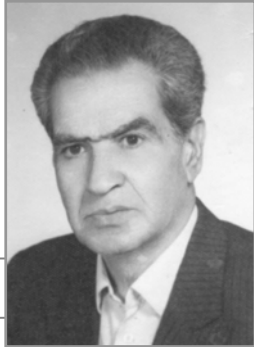


# تکرار قافیه



## و نسخه بدل های حافظ

مآشاءالله کامران



نماییم و هم‌چنین قافیه‌های «مسکین» را در ابیات اول و هشتم تکراری محسوب نماییم و همین‌گونه قافیه‌های مشکین را در ابیات چهارم و ششم تکراری محسوب نماییم و حال آن‌که تکرار قافیه‌یی در غزل وجود ندارد و غزل هشت بیتی مزبور دارای ۹ قافیه‌ی مستقل می‌باشد، زیرا که:

اول - ضمیر اشاره‌ی «این» در مصراع اول مطلع از اعراب و موقعیت مفعولی برخوردار است و در بیت دوم از اعراب و موقعیت مضاف‌الیه‌ی و در بیت هفتم از اعراب و موقعیت فاعلی و معنای این سه حالت با یک‌دیگر برابر نیستند تا بتوانیم آن‌ها را قافیه‌ی تکراری محسوب نماییم، پر واضح است اگر جملات ابیات را ترکیب نکنیم و موقعیت اعرابی کلمات را به‌دست نیاوریم، اختلاف معنای جملات ظاهر نمی‌گردد و قافیه‌ها به نظر تکراری می‌آیند و درست همان نظری می‌شود که بدون استثناء تمامی شارحان و ناقدان دیوان حافظ به‌ناصواب به‌کار برده‌اند.

دوم - کلمه‌ی «مسکین» در بیت مطلع به‌صورت صفت به‌کار گرفته شده، یعنی اسم را تعریف می‌کند و حال آن‌که در بیت مقطع به‌صورت قید به‌کار گرفته شده و فعل را تعریف می‌نماید، لذا قافیه‌ها تکراری محسوب نمی‌گردند. پُرواضح است اگر فرق قید و صفت را ندانیم، قافیه‌ها تکراری به‌نظر می‌آیند.

سوم - کلمه‌ی «مشکین» در بیت چهارم صرفاً از دیدگاه عطر و رایحه‌ی آن به‌کار گرفته شده و حال آن‌که در بیت ششم صرفاً از دیدگاه رنگ آن به‌کار رفته، لذا این دو کلمه در این غزل به یک معنی به‌کار برده نشده‌اند تا ما آن‌ها را قافیه‌های تکراری محسوب نماییم. پرواضح است اگر معنای صواب ابیات را به‌دست نیاوریم، قافیه‌ها تکراری به‌نظر می‌آیند.

نتیجه این که با وجود این تعداد کلمات به‌ظاهر تکراری مزبور در قافیه‌ها، غزل از هشت بیت تنظیم یافته است که دارای ۹ قافیه‌ی مستقل است.

□ به‌دنبال مقاله‌ی پیشین در خصوص قواعد قافیه و ردیف که در شماره‌ی آبان ۸۳ ماهنامه‌ی حافظ چاپ شد، به نسخه‌بدل‌هایی می‌پردازیم که معنی و موقعیت اعرابی کلمات قافیه و ردیف را در بر دارند و بدین جهت غزل ذیل را از دیدگاه معنای کلمات قافیه و ردیف و موقعیت اعرابی آن‌ها به‌عنوان شاهد مثال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- ۱- گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب  
گفت در دنبال دل ره گم کند مسکین غریب
- ۲- گفتمش بگذر زمانی گفت معذوم بدار  
خانه‌پروردی چه تاب آرد غم چندین غریب
- ۳- خفته بر سنجاب شاه‌ی نازنینی را چه غم  
گر ز خار و خار سازد بستر و بالین غریب
- ۴- ای که در زنجیر زلفت جای چندین آشناست  
خوش فتاد آن خال مشکین بر رخ مشکین غریب
- ۵- می‌نماید عکس می در رنگ و روی مهوش  
هم‌چو برگ ارغوان بر صفحه‌ی نسرین غریب
- ۶- بس غریب افتاده است آن مور خط گرد رخت  
گرچه نبود در نگارستان خط مشکین غریب
- ۷- گفتم ای شام غریبان طره‌ی شیرنگ تو  
در سحرگاهان حذر کن چون بنالد این غریب
- ۸- گفت حافظ آشنایان در مقام حیرت‌اند  
دور نبود گر نشیند خسته و مسکین غریب

با امعان نظر در غزل فوق، اگر به ناصواب قافیه‌ها را صرفاً از دیدگاه شکل کلمات و حروف آن‌ها بنگریم، همان‌طور که به ناصواب تمامی شارحان و ناقدان بدان‌ها نگریسته‌اند در غزل مزبور که با ردیف کلمه‌ی غریب آمده می‌توانیم قافیه‌های «این» را در مصراع اول مطلع و هم‌چنین در بیت‌های دوم و هفتم تکراری محسوب

## نسخه‌بدل‌های غزل مزبور

قوانین مربوط به قافیه را به‌طور دقیق‌تری ارائه نماید و شاید مثال‌های بیش‌تری ارائه داده باشد و مهم‌تر این‌که مدعیان خود را در پیچ و خم قوانین ادبی بیش‌تر سرگردان نماید، به همان دلیل که بعد از قرن‌ها و پیدایی شروح متعدد و مختلف از دیوان مزبور اساتید نامبرده به نکات دقیق مزبور پی نبرده‌اند و در پیچ و خم قوانین متعدد و مختلف قافیه، قوافی صواب را از دست داده‌اند.

### شاهد مثالی دیگر: غزل شماره‌ی ۴۲۵ از دیوان خانلری

- ۱- ای که بر ما از خط مشکین نقاب انداختی
- ۲- تا چه خواهد کرد با ما تاب و رنگ عارضت
- ۳- گوی خوبی بردی از خوبان خلج شاد باش
- ۴- هر کسی با شمع رخسارت به وجهی عشق باخت
- ۵- طاعت من گرچه از مستی خرابم رو مکن
- ۶- گنج عشق خود نهادی بر دل ویران ما
- ۷- زینهار از آب آن عارض که شیران را از آن
- ۸- خواب بیداران بیستی وانگه از نقش خیال
- ۹- پرده از رخ برفکندی یک نظر در جلوه‌گاه
- ۱۰- باده‌نوش از جام عالم بین که بر او رنگ جم
- ۱۱- از فریب نرگس مخمور و لعل می پرست
- ۱۲- حافظ خلوت‌نشین را در شراب انداختی
- ۱۳- چون کند خسرو مالک رقاب انداختی
- ۱۴- داور داور شکوه ای آن‌که تاج آفتاب
- از سر تعظیم بر خاک جناب انداختی
- ۱۴- نصرت‌الدین شاه یحیی آن‌که خصم ملک را
- از دم شمشیر چون آتش در آب انداختی

برای بیت هفتم، نسخه‌بدل ذیل در دست است که در نسخه‌های دکتر خانلری نیامده و در دیوان‌های قدسی و دکتر هروی موجود است:

زینهار از آب شمشیرت که شیران را از آن  
تشنه‌لب کشتی نهنگان را در آب انداختی

شایان تذکر است که دکتر پرویز ناتل خانلری در نسخه‌ی مصحح خود برای کلمه‌ی «مسکین» در بیت هشتم، نسخه‌بدل «غمگین» را آورده‌اند و هم‌چنین برای کلمه‌ی مشکین در بیت چهارم، نسخه‌بدل «رنگین» را انتخاب نموده‌اند. تردیدی نیست که ایشان و هم‌فکران ایشان، نظر شاعر را به‌دست نیاورده‌اند و با این انتخاب‌ها به‌زعم خود خواسته‌اند از تکرار قافیه‌ها در غزل بکاهند و حال آن‌که تردیدی نیست که کلمات تصحیح‌شده در بازبینی غزل مورد بحث توسط شخص شاعر، همین کلمات مسکین و مشکین بوده تا هم‌آهنگ با قافیه‌ی «این» در مطلع غزل و ابیات بعدی نمونه‌های بیش‌تری را ارائه داده باشد. حال خواه از دیدگاه رندی شاعر محسوب نماییم و بگوییم غموض و پیچیدگی‌های بیش‌تری در غزل ایجاد کرده و دام‌هایی گسترده یا حسن نیت به‌کار ببریم و بگوییم شاعر مثال‌های بیش‌تری را برای درک مطلب ارائه داده است، نتیجه آن‌که انتخاب‌های دکتر خانلری و هم‌فکران او را به‌طور قطع باید مردود محسوب نماییم و با ضرس قاطع، ترجیح کلمه‌ی «مسکین» را بر غمگین و هم‌چنین کلمه‌ی «مشکین» را بر کلمه‌ی رنگین از رده‌ی اصلاحات شخص شاعر در بازبینی غزل‌هایش محسوب بداریم و لذا شایسته است که در متن قرار بگیرند و از زمره‌ی کارهای هنری شاعر محسوب گردند.

اکنون یادآوری می‌کنیم علاوه بر ردّ تکرار قافیه در غزل، نسخه‌بدل‌های صواب آن‌ها را نیز ارائه داده‌ایم که متن کار اصلی نگارنده را تشکیل می‌دهد، زیرا اصلاح نسخه‌بدل‌های مزبور صرفاً از روی قوانین «تکرار قافیه‌ی مردود» مورد بررسی قرار گرفته است. ناگفته نماند که آقایان دکتر هروی، دکتر سلیم نیساری، ادیب برومند و حافظ به سعی سایه، هم نسخه‌بدل‌های ناصواب غمگین و رنگین را بر مبنای همین اندیشه به تبعیت از استاد دکتر خانلری برای دیوان‌های خود انتخاب کرده‌اند و شایان تذکر است که اگر در نسخه‌ی استاد علامه قزوینی کلمات صواب مسکین و مشکین آمده است، به این دلیل است که کلمات غمگین و رنگین در نسخه‌های ایشان نبوده و چه بسا اگر کلمات مزبور در نسخه‌های ایشان وجود داشت، ایشان هم همین کلمات را برای نسخه‌ی مصحح خود انتخاب می‌نمودند، زیرا ایشان هم تکرار قافیه را در این دیوان صواب نشمرده‌اند و اما اگر بخواهیم نسخه‌بدل‌های ناصواب این غزل، یعنی کلمات غمگین و رنگین را در مقابل کلمات مسکین و مشکین که در دیوان دکتر خانلری، دکتر هروی، حافظ به سعی سایه... آمده صواب بدانیم بایستی بپذیریم که شاعر در بدو امر از غلط‌بودن تکرار قافیه بی‌خبر بوده و بعداً به هنگام بازبینی غزل‌های خود به ناصواب‌بودن تکرار قافیه پی برده است و حال آن‌که مشخص است به‌طور طبیعی بدو کلمات غمگین و رنگین را به‌کار برده، سپس به هنگام بازبینی آن‌ها، کلمات مسکین و مشکین را با مهارت هرچه تمام‌تر به‌جای آن‌ها نشانده است تا بار بدیعی ابیات را اضافه نماید و هم‌چنین

برای تصحیح نسخه بدل صواب غزل مزبور که در دیوان‌های سودی، دکتر خانلری، علامه محمد قزوینی، حافظ به سعی سایه به همین صورت آمده، تنها راهنمای نگارنده، ناصواب بودن تکرار قافیه بوده است، لذا غزل مزبور در این جا صرفاً به وسیله استمداد از قوانین بی‌چون و چرای قافیه و ردیف مورد بررسی قرار گرفته و تصحیح گردیده است.

۱- در مرتبه‌ی نخست، جمله‌ی «نقاب انداختی» در قافیه و ردیف مصراع اول آمده و هم‌چنین در بیت دهم نیز جمله‌ی «نقاب انداختی» به‌عنوان قافیه و ردیف قرار گرفته است؛ قبلاً متذکر شده‌ایم که تکرار قافیه‌ی مصراع اول مطلع، یعنی عروض هم در دیگر ابیات در حکم تکرار قافیه محسوب می‌گردد که برای خداوندان کتب صنایع بدیعی هم مفهوم واقع نگردیده است. اکنون می‌گوییم این دو قافیه و ردیف تکراری نیستند و برای اثبات آن بایستی مصادر مرکب دو جمله را به‌طور کامل و صواب به‌دست بیاوریم، چنانچه مصادر آن‌ها دارای معنای واحدی بود، آن‌ها را قافیه‌های تکراری محسوب نماییم و در ذیل مشاهده می‌نماییم که هر یک معنای مستقلی دارند که ربطی با یک‌دیگر ندارند و در نتیجه قافیه‌ی مصراع اول هم تکرار نشده است.

الف - مصدر مرکب در مطلع غزل: «ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی»، «از خط مشکین نقاب انداختن» است که این مفعول نوع و جنس نقاب را بازگو می‌کند و رویش خط سبز را بر رخساره بیان می‌نماید.

ب - مصدر مرکب در مصراع دوم بیت دهم «شاهد مقصود را از رخ نقاب انداختی»، «از رخ کسی نقاب انداختن» است، یعنی برداشتن حجاب از چهره‌ی شاهد مقصود، لذا مشاهده می‌گردد که تکرار قافیه‌ی مصراع اول مطلع وجود ندارد، بلکه دامی‌ست که شاعر گسترانیده و تا این زمان یعنی بعد از شش الی هفت قرن، از حد موفقیت برخوردار بوده است، و اما به‌کاربردن این دو مصدر با معنای متفاوت یادشده‌ی آن‌ها و بهره‌گیری از جمله‌ی «نقاب انداختی» برای قافیه و ردیف یک غزل دو بار با معانی مختلف کار هر کسی نیست.

شارحان و ناقدان و متخصصان در امر قافیه و ردیف، یا هیچ‌یک از قانون مزبور آگاهی نداشته‌اند یا توجه نکرده‌اند که مصادر مرکب را از بیت‌ها بیرون بیاورند. و اما آشفتگی غزل که بر مبنای ادله‌ی ذیل به‌وسیله‌ی شخص شاعر ایجاد گشته و شارحان و ناقدان نتوانسته‌اند نسخه‌بدل‌های صواب آن را به‌دست بیاورند، این‌که بیت هفتم در دیوان‌های سودی، علامه قزوینی، دکتر خانلری، حافظ به سعی سایه... به‌صورت ذیل آمده و ناصواب است:

زینهار از آب آن عارض که شیران را از آن

تشنه‌لب کردی و گردان را در آب انداختی

زیرا بیت مقطع غزل با همین قافیه و ردیف و همین معنی و موقعیت اعرابی آمده است و چنین می‌گوید:

نصرت‌الله شاه یحیی آن‌که خصم ملک را

از دم شمشیر چو آتش در آب انداختی

لذا تکرار قافیه به‌وجود آمده و صددرصد ناصواب است.

با امعان نظر در دو بیت، با وجود این‌که در دیوان‌های معتبر مزبور به همین صورت آمده است، به‌خوبی می‌توان مردود بودن آن‌ها را تشخیص داد، زیرا هر دو قافیه با یک معنی و یک موقعیت اعرابی به‌کار گرفته شده است و در دنیای شعر و شاعری، گناهی بالاتر از این وجود ندارد. و اما بررسی غزل در دیوان‌های متعدد و مختلف که نسخه‌بدل صواب بیت هفتم به‌صورت ذیل آمده:

زینهار از آب شمشیرت که شیران را از آن

تشنه‌لب کشتی نهنگان را در آب انداختی

چنین استنباط می‌گردد که شاعر غزل مورد بحث را بدو بدون این‌که نام شاه یحیی در میان بوده باشد، با سیزده بیت ساخته و آن را ارائه داده است و در ۹ نسخه از چهارده‌ی نسخه‌ی استاد دکتر خانلری به همین صورت آمده، سپس برای این‌که غزل را به شاه یحیی تقدیم کند، با قافیه‌ی بیت هفتم غزل، بیت مقطع یعنی بیت مربوط به شاه یحیی را ساخته و به غزل اضافه کرده است و به سبب این‌که برای بیت مربوط به شاه یحیی از قافیه‌ی بیت هفتم بهره‌برداری کرده، لذا به‌طور کلی بیت هفتم را از غزل حذف نموده، در نتیجه غزل با همان سیزده بیت به محضر شاه یحیی تقدیم گردیده است که در سه نسخه از چهارده نسخه‌ی استاد دکتر خانلری به همین صورت آمده است و برای بار سوم یا آخرین بار، بیت هفتم حذف‌شده را از دیدگاه قافیه و ردیف به‌صورت ذیل اصلاح نموده و تکرار قافیه را در آن از بین برده و در جای خودش قرار داده است:

زینهار از آب شمشیرت که شیران را از آن

تشنه‌لب کشتی نهنگان را در آب انداختی

در نتیجه با از بین بردن تکرار قافیه، غزل با ۱۴ بیت و پانزده قافیه‌ی مستقل به‌نام شاه یحیی به‌ثبت رسیده است. در این‌جا لازم به تذکر است که شارحان و ناقدان مزبور برای جمله‌ی «نهنگان را در آب انداختی» معنایی به‌دست نیاورده‌اند و به‌ناصواب همان بیت اولیه و اصلاح‌نشده را در نسخه‌ی مصحح خود ضبط نموده‌اند.

و اما طریقه‌ی اصلاح بیت هفتم و از بین بردن تکرار قافیه که قبلاً موجب حذف آن به‌وسیله‌ی شخص شاعر گردیده است و در آخرین بازدیدهای او از غزل‌هایش به‌عمل آمده و بعد از اصلاح آن و از بین بردن تکرار قافیه‌ی آن در جای خودش برگردانده شده، این‌که جمله‌ی «گردان را در آب انداختی» را به جمله‌ی «نهنگان را در آب انداختی» تبدیل نموده است. اکنون معنای دو جمله‌ی مزبور که از لحاظ معنی شباهتی با یک‌دیگر ندارند و می‌توانند جای دو قافیه را در غزلی پر نمایند:

الف - گردان را در آب انداختی، یعنی گردان را در میدان نبرد فراری دادی و به این کار اکتفا نورزیدی، آنان را تعقیب نمودی تا لب دریا و آن‌ها از ترس شمشیر تو خود را در آب انداختند، باشد که به‌وسیله‌ی شنا خود را به ساحل دیگر برسانند، نتیجه آن که در جمله «مصدر مرکب در آب انداختن» به کار گرفته شده است و کلمه‌ی مرکب «در آب» نیمی از پیکره‌ی مصدر مرکب «در آب انداختن» می‌باشد (که همین مصدر مرکب عیناً در جمله‌ی بیت مقطع یا بیت مربوط به شاه یحیی به کار گرفته شده است) زیرا می‌گوید: خصم ملک را در آب انداختی؛ که برابر است با همان معنای یادشده و در نتیجه دیگر بیت هفتم نمی‌تواند در غزل وجود داشته باشد، بنابراین به‌وسیله‌ی شخص شاعر حذف گردیده است.

ب - در جمله‌ی پیچیده‌ی «نهنگان را در آب انداختی» کلمه‌ی «در آب» مفعول باواسطه است و به معنای «در دریا» آمده است و جمله‌ی «انداختی» از مصدر بسیط «انداختن» به معنای ازبای درآوردن و کشتن به کار گرفته شده است، به عبارت دیگر در بیت اصلاح‌نشده و اولیه، مصدر مرکب «در آب انداختن» به کار گرفته شده که شاعر آن را عیناً برای بیت مقطع به کار برده است و دیگر وجود بیت هفتم در غزل وجهی ندارد و بعداً در بیت اصلاح‌شده مصدر بسیط «انداختن» را به کار برده است؛ لذا با این تغییر، این دو مصدر که هر یک ارکان جملات فوق را تشکیل می‌دهند، به یک معنی نیستند تا تکرار قافیه را در ابیات به‌وجود بیاورند، چون استادان محترم از طرفی تکرار قافیه را در سراسر دیوان پذیرفته‌اند و از طرف دیگر معنایی برای جمله‌ی «نهنگان را در آب انداختی» به دست نیاورده‌اند، هم‌چنان که آقای دکتر هروی مرقوم فرموده «نهنگان از بیم آن (آب شمشیر) به آب پناهنده شدند، یعنی از ترس شمشیر تو است که نهنگان در آب مخفی هستند و جرأت بیرون آمدن ندارند!» لذا همان بیت اولیه را که در بیش‌تر نسخه‌ها وجود داشته، برگزیده‌اند، در حالی که اصولاً شیر و نهنگی در کار نیست، بلکه شیران استعاره‌ی ست برای دشمنانی که از راه خشکی به مملکت هجوم می‌آورند و نهنگان استعاره‌ی ست برای دشمنانی که از راه دریا به مملکت حمله می‌کردند و شاعر می‌گوید هر دو گروه را از بین بردی و بر و بحر را مسخر خود نمودی.

از طرف دیگر، تمامی استادان تکرار قافیه را در دیوان حافظ پذیرفته‌اند، لذا به‌ناصواب بیت اصلاح‌شده را در حاشیه قرار داده‌اند و همان بیت اولیه و اصلاح‌نشده را که بعداً به‌صورت ناصواب درآمده در متون منتخب خود جای داده‌اند و خودبه‌خود قافیه‌های تکراری که به‌وسیله‌ی شخص شاعر با دقتی هرچه تمام‌تر برطرف گردیده، مجدداً در غزل رخ نموده است و متأسفانه نسخه‌ی صواب در حاشیه قرار گرفته است، اکنون که معنای مصادر «انداختن» و «در آب انداختن» یعنی قافیه و ردیف هر دو تغییر کردند، به‌خوبی نشان

می‌دهد که شاعر چه هنری به کار برده، زیرا اختلاف در معنای دو مصدر بسیط و مرکب است، لذا مشاهده می‌گردد که تمامی آشفته‌گی‌های غزل مزبور به‌وسیله‌ی شخص شاعر برای از بین بردن تکرار قافیه به‌وجود آمده است، هم‌چنان که در دیوان‌های سودی، علامه قزوینی، دکتر خانلری، حافظ به سعی سایه... غزل با ۱۴ بیت آمده، ولی با همان بیت اولیه، در نتیجه قافیه‌های دو بیت، یعنی ابیات هفتم و چهاردهم تکراری محسوب می‌گردند و ناصواب است، لذا غزل مورد بحث را در دیوان‌های یادشده، یکی پس از دیگری مردود می‌دانیم و می‌بایستی بیت ذیل را:

زینهار از آب آن عارض که شیران را از آن

تشنه‌لب کردی و گردان را در آب انداختی

که شخص شاعر خود آن را حذف نموده، به‌طور کلی از غزل

حذف نماییم و در ازاء بیت ذیل را:

زینهار از آب شمشیرت که شیران را از آن

تشنه‌لب کشتی نهنگان را در آب انداختی

که به‌وسیله‌ی شخص شاعر تصحیح گردیده و برای شارحان نامفهوم افتاده، به جای آن قرار دهیم تا غزل از تکرار قافیه مصون بماند.

ناگفته نماند که بیت اصلاح‌شده در نسخه‌ی دکتر هروی آمده و ایشان توضیح داده‌اند که آن را از روی نسخه‌ی قدسی انتخاب نموده‌اند، ولی به‌سبب این که دکتر هروی معنای بیت را به دست نیاورده‌اند و در سراسر دیوان هم رسماً تکرار قافیه را پذیرفته‌اند، می‌توانیم بگوییم که این انتخاب هم پایه و اساسی نداشته است. نتیجه آن که غزل مزبور با ۱۴ بیت تنظیم گشته که دارای پانزده قافیه‌ی مستقل می‌باشد و با بررسی همین غزل به‌خوبی می‌توانیم راهنمایی‌ها و به‌عبارت دیگر رندی‌های شاعر را دریابیم و اگرچه تمامی قافیه‌های این دیوان به‌وسیله‌ی نگارنده مورد بررسی قرار گرفته و آن‌ها را هم ارائه توانیم داد، ولی اصلاح این غزل را برای مردودشناختن نظرات تمامی شارحان و ناقدان این دیوان و هم‌چنین نظرات خداوندان تألیف یادشده را دربار‌ه‌ی صواب‌بودن تکرار قافیه‌ی عروض (قافیه‌ی مصراع اول مطلع) بدون استثنا در امر قافیه و ردیف کافی می‌دانیم و امید است که تحقیقات بعدی را بتوانیم در ذیل عناوین خود یاد کنیم.

در خاتمه‌ی بحث لازم است که معنای «شیران را تشنه‌لب کشتی» بازگو گردد، زیرا این جمله، یعنی شیران را از آبشخورشان فراری دادی و با وجود این که آنان دور از آبشخورشان در حال تشنگی به سر می‌بردند، اکتفا نکردی و آنان را تعقیب کردی تا از پای درآوردی و به قتل رساندی. (صنعت اغراق در نفس جمله وجود دارد). ■